سرمقاله

فاجعه آلودگی هوا در کابل

محمدرضا هویدا

گشت و گذار در صبحگاهان و شامگاهان در کابل، در هوایی مسموم کننده شهر غیر قابل تحمل است. کهنسالان، اطفال و مریض های قلبی و... وضعیت سخت تری را تحمل می کنند. حقیقتا وضعیت آب و هوای کابل در حالت بحرانی به سر می برد. حقیقت این است که ما مردم افغانستان سخت سیاست زده شده ایم. دولتمردان فقط از توطیه ها علیه خود می گویند و از اقداماتی که علیه دیگران انجام می دهند. کمتر کسی از وضعیت صحی و بحرانی که افغانستان سخت درگیر آن است سخن می گوید. کسی از هوای آلوده کابل که سالانه هزاران انسان را به کام مرگ می کشاند، سخنی نمی راند، حتا شهردار و مقامات صحی نیز کمتر از آن می گویند.

مردم نیز به سخنان داغ و تند و بحث های سیاسی مقامات، وکلا و وزرا با اشتیاق گوش می دهند و کمتر متوجه هوایی هستند که هر صبح و شام امکان تنفس را از آنان می گیرد و اگر جنگ جانشان را نگرفت، مطمینا این هوای مسموم به انواع و اقسام امراض مبتلا خواهد ساخت.

عکس العمل مردم را روزهای رخصتی مثل جمعه در فروشگاه های بخاری های ترکی می توان به خوبی دید. خیلی ها هستند که بخاری ترکی را به خاطر استفاده از سوخت ذغال سنگ می خرند. در حالی که هم از هوای آلوده کابل ناله می کنند، هم با علاقه بخاری ذغال سنگ سوز می خرند. نتیجه این بی مبالاتی را نیز در مرزهای زمینی و میدان های هوایی کشور می توان به وضوح دید، هنگامی که بخش اعظم مسافران را مریضانی تشکیل می دهند که به مرض های صعب العلاج مثل سرطان مبتلا شده اند و راهی کشورهای خارج برای تداوی هستند.

متخصصان می گویند غلظت آلودگی هوا در شهر کابل بسیار بالاتر از ۳۵۰ مایکروگرام در متر مکعب است که اندازه ای معتدل می باشد. گفته می شود غلظت آلودگی هوا در کابل به حدود هزار مایکروگرام در متر مکعب می رسد، که خطر ابتلای شهروندان به بیماری های صعب العلاج خصوصا بیماری های سرطانی را در پی دارد.

آمارها در افغانستان ناقص هستند، اما با آن هم، همین آمارها در سالهای گذشته به طور تقریبی از فاجعه آلودگی هوا در کابل پرده بر می دارد. سالانه هزاران تن به خاطر آلودگی هوا در کابل می میرند. در حال حاضر، صدها کارخانه خشت پزی در شهر کابل فعالیت دارند که برای پختن خشت از سوخت های آلوده کننده شدید هوا مثل تایرهای موتر و ذغال سنگ و.. استفاده می کنند. صدها کارخانه تولیدی در شهر کابل فعالیت دارند که عمدتا در آلودگی هوا نقش دارند. حدود پنجصد هزار موتر در کابل گشت و گذار می کنند. هزاران جنراتور برای تولید برق در ساعاتی که برق شهری قطع می شود روشن می گردند. صدها حمام با استفاده از ذغال سنگ شبانه روز کار می کنند. صدها هزار بخاری با استفاده از سوخت هایی مثل چوب و ذغال سنگ برای گرم کردن خانه های مردم استفاده می شود.

ما به مرز فاجعه نزدیک شده ایم و یا بهتر بگویم در متن فاجعه قرار داریم. فاجعه این است که ما در وضعیت هشدار به سر می بریم، ولی کمتر به حل آن فکر می کنیم و می پردازیم. از مردم عادی گرفته تا فعالان مدنی، تا دولتمردان و مقامات عالی رتبه که صلاحیت برنامه ریزی و جلوگیری از ادامه فاجعه را دارند، به راحتی تن به این وضعیت داده، و مرگ تدریجی و سخت شهروندان کشو را مشاهده می کنند.

جز مشتی ادعا از شماری از وزارت خانه ها و ادارات مثل اداره حفاظت از محیط زیست، هیچ برنامه عملی و علمی در مورد مبارزه با بحران آلودگی هوا در کابل و شهرهای کلان افغانستان وجود ندارد. آلودگی هوا، همراه با آلودگی آب های کابل که آن هم به مرز بحران رسیده است، از کابل شهری مسموم ساخته که بی شباهت به فضای مسموم سیاست در آن نیست.

قانون خوب و اجرای خوبتر

عبدالله هروی

وزارت صحت و کار برای اولین بار در کشور فهرستی از کارهای شاقه و پر خطر را تهیه و اعلام داشتند. چند روز قبل مقام‌های وزارت صحت عامه و کار و اموراجتماعی اعلام داشتند که ۲۴۴ کار شاقه و پرخطر تثبیت گردیده و در این رابطه مقرره کارهای شاقه نیز ترتیب شده است که بعد از تصویب اجرا خواهد شد. افغانستان یکی از کشورهایی است که در آن بیشترین کارهای شاقه و پر خطر به دلیل عدم امکانات از سوی کارگران انجام می‌شود و کارگران با معاش کم و بدون امتیاز خاص به این کارها مشغول می گردند. در توضیح این گزارش خبرگزاری ها افزوده اند که برای کسانی که در کارهای شاقه و سنگین مصروف هستند، سه نوع امتیاز در نظر گرفته شده است، ساعت‌های کاری آن ها از ۴۰ به ۳۰ ساعت در هفته کاهش یابد، روزهای رختصی برای کارگران از ۲۰ به ۳۰ روز در سال افزایش داده خواهد شد و پرداخت معاش امتیازی نیز برای آن ها در نظرگرفته می‌شود. در همین حال معین وزارت صحت عامه در ارتباط موضوع تاکید دارد که تهیه فهرست کارهای شاق و رعایت مقررات آن کمک می کند تا کارگران به بیماری های گوناگون ناشی از شرایط کار نامناسب مبتلا نشوند. وی در ادامه می افزاید کار فرمایان مکلف اند که در محیط کاری شرایط مناسبی برای سلامت و ایمنی کارگران فراهم کنند، وضعیت غذایی و جلوگیری از بیماری‌های گوناگون و درمان کارگران و خدمات صحی رایگان از وظایف کارفرمایان در قبال کارگران می‌باشند. عدم به کارگیری زنان و کودکان در کارهای پرخطر بخش دیگری از این مقرره خوانده شده است.

واقعیت آنست که جدایی از مسئله بیکاری گسترده در کشور، که به شدت موجب رنج خاطر و تلخ شدن زندگی شهروندان گردیده است، یکی از مسایلی که در دایره کار و مسایل مربوط به آن مهم به نظر می رسد و در برخی چالش هایی را نیز موجب گردیده است شرایط و فضای کار از جهت سلامت و مصئونیت کاری می باشد. وقوع برخی از رویدادهای تلخ در معادن و کارگاه های سنگ بری و نیز در بسیاری از کارخانه ها و مراکز تولیدی حکایت از آن دارد که متاسفانه جان کارگران بصورت مستقیم در معرض خطر و تهدید قرار دارد. متاسفانه در طول سال های گذشته بخصوص در طول دو سه دهه جنگ و بحران، حمایت چندانی از طبقه کارگر وجود نداشت و این طبقه عملاً به فراموشی سپرده شده بود. براساس برخی از اسناد و منابع تنها حمایت قابل توجه از حقوق کارگران و نکته مهم در حقوق کار در کشور تصویب قانون کار در سال ۱۳۶۶ می باشد که حقوق و امتیازات اندکی را برای کارگران به رسمیت شناخته است. حال آن که حقوق کار و کارگر در کشورهای دیگر جایگاه بسیار رفیعی داشته و به شدت به مورد اجرا گذاشته می شود. اما حقوق کار و امتیازات وشرایط کارگری در افغانستان به موقعیت مناسبی دست نیافته و نیازمند تلاش فراوان برای جا انداختن آن و اصلاح و اجرای قانون کار می باشد. به این جهت در گستره حاکمیت قانون و ارائه خدمات به شهروندان در عرصه های مختلف در قانون اساسی و قوانین تابع آن یادآوری شده است، به ویژه در عرصه کار و کارگری ایجاب می کند که به حقوق کارگران بخصوص حقوق و امتیازات پیش بینی شده در قانون کار، بیشتر پرداخته شود.

حقوق کار از موضوع های نسبتاً جدید حقوقی در کشور شمرده می شود، هرچند که در بسیاری از کشورهای جهان طرح حقوق کار و مصئونیت فضای کاری تقریبا نهادینه گردیده و بدل به یک فرهنگ اجتماعی و اقتصادی گردیده است. بر اساس آنچه حقوق دانان کشور در این مورد اظهار داشته و یا نگاشته اند این است که حقوق کار منابع مختلفی دارد. اما مهم ترین آن، قانون می باشد. قانون کار که اکنون قابل اجراست، هر چند با معیارهای بین المللی فاصله زیادی دارد، ولی با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وخیم کشور، فعلاً حد اکثر امکانی است که می شود به نفع قشر زحمت کش و محروم کارگر عملی ساخت. طبق آنچه در قانون کار یاد شده است، قانون کار حق مساوی کار را برای عموم شهروندان کشور تضمین می کند و در استخدام به کار، تأدیه مزد، کسب حرفه، تخصص و حق تحصیل و تأمینات اجتماعی هر نوع تبعیض مستقیم و غیر مستقیم بر هر مبنا را منع می کند. چنانچه در ماده ۹ نیز، برای زنان حقوق مساوی با مردان مقرر می نماید و حتی در شرایط خاص مثل دوران بارداری و شیردهی امتیازات خاصی برای شان قایل می شود. در قانون کار وضعیت برخورد با اسناد بین المللی کار که افغانستان آن را امضا و لازم الاجرا نموده، تعیین گردیده است. چنانچه در ماده ۱۳ مقرر می دارد که «دولت افغانستان میثاق های بین المللی در رابطه به کار را که افغانستان عضو آن می باشد، رعایت می کند و سایر میثاق ها و نورم های بین المللی را در حدود شرایط خاص و امکانات کشور احترام می کند.» لازم به یادآوری است که افغانستان در سال ۱۹۳۴ به عضویت سازمان بین المللی کار درآمده و تاکنون از مجموع حدود ۲۰۰ کنوانسیون آن سازمان، ۱۵ کنوانسیون را تصویب و نافذ ساخته است. این کنوانسیون ها با توجه به شرایط نامناسب اقتصادی- اجتماعی کشور، تا حدودی در قانون کار انعکاس یافته است. حال پرسش این است که آیا با وجود قانون کار و تلاش برای بهبود بخشیدن به وضعیت کارگران در کشور در پرتو قانون و توجه به تعهداتی که به کنوانسیون های بین المللی می توان انتظار داشت که تغییرات اساسی در زمینه تحقق خدمات و ارائه سهولت های لازم برای شهروندان در همه عرصه ها از جمله در عرصه کار و کارگری بوجود آید. بدون شک دست یافتن به جواب این پرسش به عوامل و زمینه های گوناگون خواهد داشت.

آنچه در اینجا به مورد یا مواردی از آن اشاره می گردد یکی این است که اجرای قانون و ارایه خدمات به جامعه متاسفانه تابع نوعی از آفت عمومی هستند که از آن بعنوان قانون گریزی و یا فقدان قانون مداری در کشور باید یاد کرد که یک مشکل اساسی و جدی به حساب می‌آید. بطور مثال و در عرصه کلانتر کارشناسان حقوقی، قانون اساسی افغانستان را در منطقه بی نظیر خوانده و به لحاظ دارا بودن ارزش‌های دموکراتیک و انسانی، آن را یک متن قانونی معیاری و حاوی مواد غنی و مفید می‌دانند. اما متاسفانه در زمینه تحقق و اجرای آن یعنی حاکمیت قانون هنوز که هنوز است بصورت یک آرمان و آرزوی دست نیافتنی باقی مانده است. کارشناسان، بدترین ستم نابخشودنی را در حق قانون ، فقدان بستر اجرایی و عدم اهتمام به مواد لازم الاجرای آن می‌دانند. در واقع، پرسش اساسی در نزد هر شهروندی این است که قانون‌گریزی و قانون شکنی که امروزه در دستورالعمل کاری تمام نهادها و در رفتار عادی عموم شهروندان به عنوان یک پدیدهء عام و همه شمول مشاهده می‌گردد، ناشی از چیست؟

به هرحال ضمن استقبال از اقدام های روی دست گرفته شده برای بهبود بخشیدن به وضعیت کارگران کشور و تنظیم مقرره و لوایح که بتواند برای کارگران این قشر زحمت کش سهولت و زندگی مناسبی را فراهم آورد و در نتیجه در وضعیت کلی کشور بهبودی و امیدواری رونما گردد، آنچه لازم به تأکید آن است این مساله می‌باشد که حاکمان کشور و مسؤلان نهادهای اجرایی در نهادینه ساختن قانون بطور کلی و قانونمندی وحاکمیت قانون نقش اساسی دارند. در زمینه بطور اخص وزارت و صحت عامه و وزارت کار و امور اجتماعی مسئولیت جدی دارند که با فراهم ساختن اقدام های لازم افکارعمومی را نیز از مفاد قانون آگاه سازند تا در یک همکاری دوجانبه میان مردم و حکومت، از سوی کارگران و کارفرمایان، از سوی وزارت خانه های کار و امور اجتماعی و صحت عامه و جامعه کارگری بستر سالم و مفید برای کارگران کشور فراهم آید و تلاش های صورت گرفته شده روی دست و صفحه کاغذ باقی نماند.

همگرایی در حوزه اقتصاد و واگرایی در حوزه سیاست

علی قادری

پیوند ناگسستنی میان حوزه سیاست، اقتصاد، امنیت، اجتماع و فرهنگ وجود دارد. این مسئله در حوزه سیاستگذاری و پلان گذاری در یک حوزه در نظر گرفتن حوزه های دیگر مهم و اساسی است. به عبارت دیگر، پلان گذاری و سیاست گذاری برای حوزه اقتصاد بدون توجه به مسئله امنیت و سیاست امکان پذیر نیست و پلان به شکست مواجه می گردد. در وضعیت کنونی، که توجه جدی روی مسئله اقتصاد صورت می گیرد اما مسئله امنیت و سیاست نادیده گرفته می شود. از این جهت، لازم است که این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم که آیا بی توجهی به مسئله امنیت و سیاست و روی آوری به اقتصاد منجر به دگرگونی بنیادی در عرصه اقتصاد می شود؟ آیا سیاستگذاری در عرصه اقتصاد با نادیده گرفتن سیاست و امنیت ممکن به اجرای پلان های اقتصادی می شود؟ در نوشتار کنونی با توجه به طرح های اقتصادی کلان حکومت وحدت ملی در صدد تحلیل این مسئله می باشیم.

اول؛ در دهه ۱۹۹۰ برای اولین بار طرح انتقال گاز ترکمنستان به آسیایی جنوبی مطرح شد. شرکت های همانند یونیکال، برایدس وارد عمل شدند اما هر دو شرکت قادر به اجرایی کردن این پروژه نشد. دلیل آن بی ثباتی و ناامنی در افغانستان بود. شرکت برایدس اگر چه با طرف های درگیر در جنگ گفتگو نمودند اما نتوانستند دو طرف را متقاعد سازد که این پروژه عملی شود. دلیل اصلی ناکامی این شرکت ها در اجرای پروژه بی ثباتی و فقدان یک حکومت مرکزی مشروع در کابل بود. اکنون بعد از گذشت بیش از دو دهه پروژه انتقال گاز ترکمنستان به آسیایی جنوبی از مسیر افغانستان کارش به صورت رسمی آغاز شده است. تجربه دهه ۹۰ نشان می دهد بی ثباتی و فقدان یک حکومت مشروع در کابل منجر به عدم اجرایی شدن پروژه شد. آیا در شرایط کنونی قادر به اجرایی شدن این پروژه هستیم. آیا وضعیت امنیتی افغانستان بهتر از دهه نود است.

پروژه تاپی یکی از بزرگترین طرح های اقتصادی در منطقه است. این پروژه اگر چه سودی برای چهار کشور دارد اما افغانستان به خاطر نبود زیربنای های اقتصادی و فقر و فلاکت شهروندان سودی بیشتری نصیب مردم افغانستان می شود. جدا از اینکه حکومت سالانه میلیون ها دالر به خاطر ترانزیت لوله ها از خاک افغانستان می گیرد، این پروژه باعث ایجاد فرصت های شغلی برای شهروندان می شود. با این حال، این پروژه با موانع مشکلات از جمله مانع امنیتی مواجه است. خط لوله گاز از فراه، نیمروز، هرات و قندهار می گذرد. در تمام این ولایات گروه های مخالف مسلح دولت نفوذ چشم گیری دارد. این گروه ها می تواند از اجرایی شدن جلوگیری نماید. در عین حال، در فردای اجرایی شدن پروژه احتمال آن وجود دارد که گروه های جدید در افغانستان سر در آورد و دست به تخریب لوله های گاز بزنند. بنابراین، میان سیاست اقتصادی و امنیتی ما هیچ نسبت و پیوندی وجود ندارد. ما در وضعیت کنونی اگر طرح های کلان اقتصادی را در پیش گرفته ایم در مقابل با گروه های مخالف مسلح دولت به بهانه های مختلف از جمله کشاندن آن ها در پای میز مذاکره با مدارا رفتار می کنیم. این سیاست امنیتی ما منجر به روحیه گرفتن گروه های مخالف مسلح دولت شده است. آن ها را جسور کرده است. باعث شده است که گروه های مخالف مسلح دولت فعالیت خود را گسترش دهد. بنابراین، هیچ پیوندی میان سیاست اقتصادی و سیاست امنیتی ما وجود ندارد.

مسئله اما تنها به همین جا ختم نمی شود. سیاست اقتصادی ما پیوندی با سیاست های کلی جامعه ما نیز ندارد. صدای های از گوشه و کنار کشور بلند می شود مبنی بر اینکه وزیرستان بخش از خاک افغانستان است. این صدا از اعلامیه ای از سوی حامد کرزی بلند شد. کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور صراحتا بیان داشته بود که وزیرستان بخش از خاک افغانستان است. به دنبال آن والی ننگرهار از ارگان های محل خواسته بود که برای بالا بردن سطح زندگی مردم آن سوی خط دیورند پروژه های بیشتری به این ولایت واگذار شود. این صدا ها موجب می شود که کشور همسایه برای نابودی و بربادی کشور کمر همت ببندد. گسترش ناامنی به اجرایی شدن پروژه ها ضربه می زند. بنابراین، در وضعیت کنونی سیاست کلی کشور چه به صورت رسمی و چه به صورت غیر رسمی آن هیچ پیوندی با سیاست اقتصادی ما ندارد. به عبارت دیگر، اگر پروژه های کلان اقتصادی زمینه های همگرایی را در منطقه را فراهم می کند. سیاست کلی کشور در راستای واگرایی تدوین و اجرا می گردد.

پروژه تاپی اگر چه موجب سودمندی به تمام چهار کشور ترکمستان، افغانستان، پاکستان و هند می شود. همه کشور ها تلاش می کند این پروژه به خاطر سودمندی آن اجرا شود اما فراموش نکنیم که برای کشور تأمین انرژی مهمتر از حفظ خاک و سرزمین شان نیست. اولویت اساسی و جدی برای همه کشور ها حفظ خاک و سرزمین شان است. از این جهت، می توان گفت که ما تا هنوز پیوند میان اقتصاد و سیاست را درک نکرده ایم. بنابراین، لازم است که اهمیت این مسئله را درک نمایم تا در آینده این ناهماهنگی و بی نظمی منجر نشود که پروژه کلان اقتصادی به بن بست مواجه گردد.

همگرایی سیاست اقتصادی در سطح منطقه یک امر جدی است اما واگرایی یک در حوزه سیاست منجر می شود که هم در اجرایی کردن پروژه ها ناکام بمانیم و هم کشور را برباد و ویران سازیم. فراموش نکنیم که ما برای چندین دهه سیاست واگرایی با برخی کشور های همسایه در پیش گرفته ایم و این سیاست منجر به ثبات در افغانستان نشده است. در آینده نیز واگرایی منجر به ثبات نخواهد شد. بنابراین لازم است که یک هماهنگی میان سیاست اقتصادی حکومت و سیاست آن به وجود آید.

نگارنده بر این باور است که اشرف غنی، رئیس جمهور کشور این مسئله را درک می نماید. اما نفوذ برخی نخبگان دیگر همانند حامد کرزی و افراد او در درون حکومت و فشار آوردن این گروه ها بر اشرف غنی و دیگر نخبگان در رأس قدرت باعث ویرانی و بربادی کشور می گردد. بنابراین، لازم است که گفتگوی میان نخبگان سیاسی در سطح داخلی شکل گیرد و مسائل کلان ملی حل گردد. در پایان این نوشتار یک بار دیگر باید تأکید نمایم تساهل و تسامح با گروه های مخالف مسلح دولت به بهانه صلح و گفتگو باعث جسورتر شدن آن ها می شود. چند سال گذشته گفتگوهای صلح منجر به نتیجه نشده است. از این به بعد برخورد مداراگرایانه منجر به ثبات و امنیت نخواهد شد. در عین حال، ادعای بی جا و غیر معقول بابت خاک کشور همسایه هیچ هماهنگی و همسویی با سیاست اقتصادی ما ندارد. این دو مسئله باعث می شود که پروژه های اقتصادی ما به بن بست برسد و ما قبل از آن که سودی این پروژه ها را ببریم کشور را برباد داده ایم.

کارتون روز

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook Afghanistan The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔ‌افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com